

پایم خونین کفنان نهضت جنگل به جوان نسل امروز

حسن ابراهیمزاده

حرکت تهاجمی آمریکا و انگلیس بر علیه جهان اسلام، خصوصاً ایران زمین را می توان نوعی «فرار به جلو» نامید، چرا که اراده‌ی جمعی جهان به سمت و سویی می‌رود که آمریکا و انگلیس و دیگر استعمارگران پیر به خاطر جنایت علیه بشریت در جایگاه متهم قرار می‌دهد و به دادن غرامت محکوم می‌کند.

همانگونه که سپاهان آفریقا می‌خواهند. زمین‌های آباء و اجدادی خود از دست سفیدپوستان مهاجر بازپس گیرند و خواستار گرفتن غرامت از آمریکا و اروپا به خاطر بنانه‌داری تمدن ظالمانه‌ی خود بر پایه‌ی استثمار و به بردگی کشیدن انسان‌ها هستند همان‌ها که حتی با لگام زدن بر دهان بردگان مانع از آن می‌شدند که کارگران انبارهای مدنیت و مدعیان کرامت و انسانیت به اندازه‌ی رفع گرسنگی خود به زرت و گندم دسترسی داشته باشند؛ این حق مسلم جهان اسلام و خصوصاً مردم ایران زمین است که آمریکا و انگلیس را در جایگاه متهم قرار داده و ضمن درخواست از عذرخواهی رسمی رییس جمهور آمریکا و نخست وزیر انگلیس به خاطر جنایت‌های خود اسلافشان در برخورد ظالمانه و استعمارگرانه، خواستار پرداخت غرامت به خاطر قتل آزادی خواهان، غارت منابع ملی، حمایت از دیکتاتوری پهلوی و ایجاد موانع بر سر راه توسعه یافتگی... شود.

از منظر مردم ایران آمریکا و انگلیس دو لبه یک پیکان هستند که همواره در راه تحقیر مسلمانان و تخریب تمدن اسلامی را در یکصد ساله اخیر گام برداشته و دارند. از منظر این مردم شاید هیچ ترور فیزیکی و یا شخصیتی افراد حقوقی و حقیقی جهان اسلام و ایران و یا فروپاشی و انحلال نهضت‌های بیدارگرانه در جهان اسلام نباشد که در آن رد پای انگلیس و آمریکا و عوامل مزدور آنان به چشم نخورد؛ وضعیت فعلی جهان اسلام و حالت تهاجمی این دوله‌ی پیکان در کنار اسناد به چاپ رسیده در یکصد سال اخیر، گویای این واقعیت است نه مشی سرکوبگرانه‌ی آمریکا و انگلیس تغییر یافته است و نه سیاست مزورانه‌ی آنان به عنوان دفاع از «مدنیت» و «رعایت حقوق بین الملل» و...

برخورد وحشیانه‌ی اینان با دو ملت مسلمان افغانستان و ایران، در کنار برخورد تبلیغاتی مان بر

علیه ایران، ادامه‌ی همان سناریویی است که اسلاف آنان با پدران و اجداد ما در پیش گرفته بودند.

سرکوب نیروهای نهضت جنگل و بمباران مردم بی دفاع خطه‌ی شمال به حمایت از رضاخان و قشون قزاق آن هم به نام «مدنیت» و رعایت «حقوق بین الملل» یکی از هزاران جنایتی است که انگلیس در حق مردم ایران مرتکب شده است.

آنچه در سند ذیل یعنی «بیانیه‌ی کمیته‌ی اتحاد اسلام (نهضت جنگل) درباره‌ی بمباران مردم فومن توسط هواپیماهای انگلیسی» به چشم می‌خورد، سند مظلومیت مردم و نهضتی است که به نام «تمدن و انسانیت» خون آن پایمال دیکتاتوری به نام رضاخان شد.

هشدار فردایان گیلان و غیرتمدندان دین دار و خونین کفنان نهضت جنگل به نسل آینده‌ی ایران زمین در این بیانیه فریب نخوردن از مدعیان دروغین مدنیت است؛ مدعیانی که با شعارهای زیبا در صدد نابودکردن دین و ملت برآیند. هشدار که پرده از چهره‌ی واقعی کسانی بر می‌دارد که به جای روی کردن به قبیله‌ی «جماران» به سمت سفارت انگلیس مناجات مدنیت را زمزمه می‌کنند و درست واژگانی را در روزنامه‌ها و سخنرانی‌های خود بغور می‌کنند که روزی همراه با بمب‌های هواپیماهای همین قبیله‌ی خود باختگان، دلبرمردان این سرزمین را به خاک و خون کشانده است.

بیانیه‌ی کمیته‌ی اتحاد اسلام (نهضت جنگل) درباره‌ی بمباران مردم فومن توسط هواپیماهای انگلیس

«بازهم قتل بی‌گناهان»

روز سه شنبه پانزدهم رمضان ۱۳۳۰ هجری قمری دو ایروپلان انگلیسی شش ساعت قبل از ظهر بدو در هوای فومن پیدا شده و در شهر فومن دو بمب پرتاب کرد که یکی در جوار شهر و یکی در میان مزرعه و خارج از شهر افتاد، هیچ‌کدام منفجر نشد، یک‌مقداری هم با متر لیز در شهر شلیک کرده، ولی به کسی آسیبی وارد نشد. به گوراب زرمخ آمده چهار بمب در مریض‌خانه پرتاب کرد که یکی از چهار بمب به مریض‌خانه اصابت کرده، پنج نفر مریض مجروح شدند، و یکی دیگر از این بمب‌ها

از منظر مردم ایران آمریکا و انگلیس دو لبه یک پیکان هستند که همواره در راه تحقیر مسلمانان و تخریب تمدن اسلامی را در یکصد ساله اخیر گام برداشته و دارند.

♦ ما که به انگلیسی‌ها
تعرضی نداشتیم. ما که تجاوزی به حقوق آن‌ها
ننموده‌ایم. به خانه‌ی ما آمدن و دست تعرض به
جان و ناموس ما دراز کردن، غیر از مظلوم‌آزاری و
ضعیف‌کشی معنی دیگری دارد؟ ♦

اگر انگلیسی‌ها قصد و غرضی ندارند، با مملکت ما چه کار دارند؟

طرفداری از اقوام ضعیفه، نوع خواهی و رعایت حقوق بین‌الملل، فقط عباراتی است که برای مردمان بی‌خبر غیرمطلع استعمال می‌کنند. معنی تمدن امروزی خاصه تمدنی که انگلیس‌ها مدعی دارا بون آن هستند، تاختن به بی‌چارگان، غصب حقوق ضعیفان، قتل و غارت بی‌گناهان، پایمال کردن اقوام ضعیفه، تصاحب ممالک بی‌طرف مظلوم و محو نمودن ملل صغیره است. فاش می‌گویم و در این گفته‌ی خود محتاج به اقامه‌ی هیچ برهان نیستیم که تمدن امروزی را غیر از این معنی نیست و انگلیسی‌های مظلوم‌کش مصداق حقیقی این مدنیت دروغین هستند. حال‌ای هم‌وطنان عزیز، ای برادران غافل تن‌پرور ایرانی، زنه‌ار، فریب این مظلوم‌آزار را نخورید و به عبارات ظاهر فریب مشعشع آن‌ها اعتنا نکنید. انگلیس می‌خواهد مملکت شما را تصرف کند، دیانت شما را پایمال نماید، قومیت شما را نابود سازد، حقوق شما را غصب نماید، شما را مثل هندوستانی و آفریقایی و غیره بنده و اسیر خود کند.

اگر انگلیسی‌ها قصد و غرضی ندارند، با مملکت ما چه کار دارند؟ چرا دولت ما را به وسیله‌ی بعضی از وطن‌فروشان بی‌دین، بازیچه و آلت دست خود قرار داده و صحنه‌ی ایران را مورد تاخت و تاز بی‌رحمانه‌ی خود نموده‌اند؟ ما که به انگلیسی‌ها تعرضی نداشتیم. ما که تجاوزی به حقوق آن‌ها ننموده‌ایم. به خانه‌ی ما آمدن و دست تعرض به جان و ناموس ما دراز کردن، غیر از مظلوم‌آزاری و ضعیف‌کشی معنی دیگری دارد؟ اکنون ما فداییان گیلان در مقابل این دشمن حقیقی ایرانیان، برای حفظ وطن و ناموس و دیانت و همه چیز خود مقاومت کرده، دفاع می‌کنیم و برای بیداری شماها نیز حقیقت امر را می‌نویسیم، اگر شماها نیز عمل نکرده و فریب این دولت حق‌کش را بخورید و از ادای وظایف ملی خود اجتناب ورزید، در پیشگاه خداوند و حضرت پیغمبر خاتم (ﷺ)، شرمسار و مورد طعن و لعن ابناء وطن و اخلاف واقع خواهید شد.^(۱)

بی‌نوشت:

۱. اسناد جنگ جهانی اول در ایران، بهروز قطبی، ص ۵۶ و ۵۷



کردند. این بود تعرضات دشمن، روز پانزدهم رمضان که بی‌کم و زیاد نوشته شد. اینک با زبانی ساده، توجه هم‌وطنان عزیز را به این نکته جلب می‌نماییم که تمدن و انسانیت،

در مزرعه منفجر شد، ولی یکسی صدمه نرسید. بعد از سه ربع ساعت جولان و پرواز، معاودت کرده، مستقیماً به سیاهرود رفته، مواضع مجاهدین را بمباران نموده، بدون موفقیت به شهر مراجعت